

در حاشیه رویدادها

چگونه "استاد فارسی" غرب را دستپاچه میکند

برابر تهدیدهای اخیر ریگان، سران حزب حاکم چنان در سخنرانی‌ها به خودشان قوت قلب دادند که سردیدی باقی نماند که خیلی ترسیدند و گرنه این همه جوساندهی تقویت قلب برای چه؟

مخاطبان ندای "استاد جلال الدین فارسی" نه در میدان امام حسین که در واشنگتن بودند؛ سخت‌نگیرید و گرنه دست به دامان اغیار می‌شویم. احتمالاً "استاد" برای این عقیده است که چنین موضع‌گیری‌هایی در داخل کشور تاثیر اساسی ندارد. در یک راهپیمایی دیگر یا نثار چند ناسزا به هر دو ابر قدرت، موضوع مختومه تلقی خواهد شد. اما وی قضیه را دست‌کم گرفته است. بیانات او، مطلع بحر طویل‌های روزنامه‌های میزان در مذمت تمایل به جنگ‌افزار و مستشار روسی شدند. جناح بازرگان که کویی احساس کمبود شدید معمم میکند، از یادآوری پیایی داستان موسی صدر و اینکه عالم ربانی در لیبی هم پیمان شوروی مفقود شده نیز غافل نمی‌ماند.

در این لحظه، حزب جمهوری اسلامی - و دولت آن - در شرایطی بنظر نمی‌رسد که بتواند سیاست "نگاه به شرق" را بطور جدی مطرح کند. اما اگر افکار عمومی امریکاییان را وادار به موضع‌گیری‌های لفظی تندتری کند، نزدیکی به شوروی تهدیدی خطاب به غرب خواهد شد. در آن حالت، شاید "استاد جلال الدین فارسی" مامور تهیهی "تئوری" این روش و ایراد چند سخنرانی "ناصری" دیگر شود.

سخنرانی "استاد جلال الدین فارسی" در روز هفتم دی ماه "در مراسم اربعین" ظاهراً قرار بود که لریزه بر پشت استکبار جهانی بیندازد، اما می‌شد برای سنجش استحکام خود سیاست "نه شرقی نه غربی" هم محکی بشمار آید. البته این حرف‌ها زده شده که رژیم ایران از هر کس و هر جا صلاح بداند جنگ‌افزار می‌خرد، به شرطی که وابستگی ایجاد نشود. تشخیص این نکته، البته، با زمامداران و بر پایهی مصلحت‌بینی آنهاست و گرنه نوع کاملاً تازه‌ای از روابط گسترده‌ی نظامی که در قالبیها مرسوم نگنجد هنوز ابداع نشده است.

در حالی‌که دعوت‌های روحانیان جمهوری مسلمان نشین شوروی از روحانیان ایران پس از نخستین دیدار شهریور ۵۸ در شهر دوشنبه پذیرفته نشده است، دعوت به گفتگو با حکومت کودتایی افغانستان رد می‌شود، کنسولگریهای شوروی در ایران دوتا یکی می‌شود و سفارتخانه‌ی آن کشور در تهران را در هم می‌کوبند، "استاد فارسی" پیشنهاد می‌کند که حکومت ایران با جای پای دولتهای کوبا، مصر ناصر و کره‌ی شمالی بگذارد و با گرفتن اسلحه‌ی پیشرفته از شوروی، "بوزه‌ی کشیوسف امیربالیسم امریکا را در منطقه بخاک بمالد و آنگاه از پای بنشیند.

از چند عامل مهم انتخاب چنین موضعی، یکی میتواند ترغیب سوریه و لیبی برای ورود فعالانه‌ی ایران به عرصه‌ی مناسبات بین‌المللی باشد که اعلام پایه‌ریزی اصول سیاست خارجی فعال، بخشی از این برنامه‌ی تازه به حساب می‌آید. اما عزم زمامداران ایران برای پرداختن باین کار هر اندازه جزم باشد واقعیت مهم دیگری هم هست: تعیین میسران نزدیکی به شوروی در گرو تثبیت روابط بینا امریکا و غرب است. به بیان دیگر، ابتدا باید مشخص شود که دولت جدید امریکا تا چه اندازه رژیم ایران را جدی می‌گیرد و از آن پشتیبانی میکند. و تنها آن زمان است که دوری و نزدیکی به شوروی برای تکمیل چهار چوب روابط و تحکیم موقعیت رژیم بطور اساسی مطرح خواهد شد. جلسات شتابزده و جنجالی مجلس شورای اسلامی برای تعیین شرایط آزادی گروگانها این تلقی را به روشنی نشان داد: حتی شمار روزها در نوسازی روابط رژیم ایران و ایالات متحده اهمیت دارد. در

هفته‌نامه

رهائی

نشریه

سازمان وحدت کمونیستی